

Comparative Analysis of the Civil Liability of Company Directors in Iranian and English Law

1. Mohsen Eftekhari: PhD Student, Department of Law, Private Law, Research Science Unit, Qeshm International Education Center, Islamic Azad University, Qeshm, Iran
2. Alireza Mazloomrahni*: Assistant Professor, Department of Law, Private Law, Quds Branch, Islamic Azad University, Quds, Iran. Email: dr.mazloom14@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mansour Atasheneh: Assistant Professor, Department of International Commercial Law, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

ABSTRACT

In today's world, the significance of companies and their strategic role in economic affairs have led most countries to enact appropriate laws that establish necessary responsibilities and limitations for them. One such legal consideration is the issue of "civil liability of company directors." Accordingly, this article aims to conduct a "comparative analysis of the civil liability of company directors in Iranian and English law." From this perspective, after expanding the conceptual framework of the subject, the article examines the nature of corporate civil liability. Based on the documented sources presented in this research, the study follows a descriptive-analytical methodology, and data collection is conducted through library research. The findings of the study indicate that, first, since companies possess a distinct and independent legal personality separate from their members, they can be subject to rights and obligations, meaning they can bear civil liability. Second, although directors generally act on behalf of the company, making the company, as a legal entity, responsible, there are instances where a director's actions deviate from the legal framework or the company's articles of association. In such cases, liability shifts from the company to the director. The results of the study demonstrate that in the common law system, particularly in England, the authority of directors in serving shareholder interests is broader than in Iran, and the role of inspectors is more extensive compared to Iran.

Keywords: *Iran, England, civil liability, company, directors, common law*

How to cite: Eftekhari, M., Mazloomrahni, A., & Atasheneh, M. (2025). Comparative Analysis of the Civil Liability of Company Directors in Iranian and English Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 1-18.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 02 February 2025
Revise Date: 16 February 2025
Accept Date: 05 March 2025
Publish Date: 28 September 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران و انگلیس

۱. محسن افتخاری: گروه حقوق خصوصی، واحد علوم تحقیقات، پردیس مرکز آموزش بین‌المللی قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
۲. علیرضا مظلوم رهنی*: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، قدس، ایران. پست الکترونیک: dr.mazloom14@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. منصور عطاشنه: استادیار، گروه حقوق بین‌الملل تجاری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

چکیده

در دنیای امروز اهمیت شرکت‌ها و نقش راهبردی آن‌ها در امور اقتصادی باعث شده است که در اکثر کشورها با وضع قوانین مناسب مسئولیت‌ها و محدودیت‌های لازم برای آن‌ها در نظر گرفته شود از جمله این قوانین بحث «مسئولیت مدنی مدیران شرکت» است از این رو مقاله حاضر در صدد «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران و انگلیس» است از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی ماهیت مسئولیت مدنی شرکت خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که اولاً، چون شرکت‌ها دارای شخصیتی مجزا و مستقل از شخصیت اعضای خود می‌باشند می‌توانند طرف حق و تکلیف قرار گیرند به عبارتی مسئولیت مدنی داشته باشند ثانیاً، هر چند علی‌الاصول مدیران از طرف شرکت مبادرت به اقدام می‌کنند و در این صورت شرکت به عنوان شخص حقوقی باید مسئول باشد اما گاهی اقدام مدیر به نحوی است که چارچوب موازین قانونی یا اساسنامه را رعایت نمی‌کند به همین جهت موجب می‌گردد که به جای شرکت، مدیر مسئول باشد نتیجه کسب شده از مقاله این است که در سیستم حقوقی کامن لا خاصه انگلیس اختیارات مدیران در جهت منافع سهامداران بیشتر از ایران است و نقش بازرسان گسترده‌تر از ایران می‌باشد. واژگان کلیدی: ایران، انگلیس، مسئولیت مدنی، شرکت، مدیران، کامن لا.

نحوه استناددهی: افتخاری، محسن، مظلوم رهنی، علیرضا، و عطاشنه، منصور. (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران و انگلیس. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۸(۳)، ۱-۱۸.

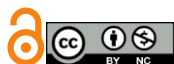
© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۳ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۶ مهر ۱۴۰۴



با توجه به ساختار جوامع امروزی از نظر روابط اجتماعی و اقتصادی، دیگر نظام سستی روابط تجاری، نمی‌تواند جوابگوی روابط و تعاملات عصر حاضر باشد چون از یک طرف، رقابت شدید حاکم بر بازار اقتصادی سبب آن شده که دیگر با سرمایه‌ی محدود نتوان به عرصه رقابت تجاری وارد شد پس لازم است که سرمایه‌ی جمعی افراد مختلف مورد استفاده واقع شود؛ از سوی دیگر نیز، ادامه فعالیت اقتصادی فراخور هر رشته، نیاز به تخصص خاصی دارد. با توجه به اینکه جمع همه شرایط فوق در یک شخص، امری بعید است از این رو سرمایه داران و متخصصین سعی کرده اند تا با بهره گیری از امکانات یکدیگر، کسب منفعت اقتصادی نمایند. این مسئله نقطه آغاز شکل گیری شرکت‌ها در رژیم حقوقی کشورهای مختلف شده و شاهد شکل گیری انواع شرکت‌ها با اهداف و مسئولیت‌های متفاوت هستیم لذا هر یک از کشورهای مختلف در این راستا مبادرت به وضع قوانین و قواعد حقوقی نمودند از جمله این قوانین بحث مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌ها می‌باشد به گونه‌ای که می‌توان بیان داشت وقتی بحث مسئولیت مدنی در این شرکت‌ها مطرح است، همراه با آن بحث مسئولیت مدنی مدیران نیز قابل طرح است. گاهی از مسئولیت مدنی مدیران و اعضای هیات مدیره در ارتقاء و افزایش میزان فعالیت و موفقیت شرکت بخصوص در زمینه‌های تولید، ایجاد اشتغال و بازار سرمایه مفید و موثر استفاده می‌شود. شرکت‌ها توسط مدیرانی اداره می‌شوند که مسوول حفظ حقوق سهامداران، صاحبان سرمایه و اشخاص ثالث هستند این مسئولیت گاه ناشی از قرارداد و گاه قهری و قانونی می‌باشد این مسئله در حقوق ایران و انگلیس نیز بازتاب داشته است بدین شرح که مسئولیت برای شرکت و مدیران گاهی در موارد قراردادی است که در این صورت مسئولیت هر دو در مقابل شخص ثالث مطرح می‌شود که در این موارد در صورت رعایت چند شرط از سوی مدیر از جمله موضوع و حدود اختیارات و ذکر سمت، شرکت در مقابل ثالث مسئول است و در صورت عدم رعایت هر یک از موارد مدیر مسئول است. ترتب مسئولیت برای شرکت و مدیران گاهی از موارد غیر قراردادی است به طوری که هر گاه مدیر مرتکب تخلفات غیر قراردادی در مقابل اشخاص ثالث گردد در این صورت هم شرکت علی‌الاصول مسئول است اما اگر اقدام مدیر در راستای امور اداری نباشد بلکه شخصی باشد و یا موارد اتلاف و تسبیب اتفاق بیفتند مدیر شخصاً مسئول است و همچنین در مواردی که مدیر مرتکب تخلفات قانونی و همچنین نقض وظایف مقرر در قوانین و اساسنامه شود نیز مسئولیت دارد که عمده مسئولیت وی در برابر شرکت است و البته گاهی مسئولیت وی در برابر شرکاء نیز قابل تصور است و در عین حال بعضی موارد تخلفات مدیر از قوانین و مقررات و اساسنامه اگر موجب شود که شرکت نتواند به جهت عدم وجود اموال در برابر اشخاص ثالث پاسخگو باشد چه بسا مدیر متخلف در برابر شخص ثالث هم پاسخگو باشد با این تفاوت که در حقوق انگلیس هر گاه مدیر از موضوع و حدود اختیارات مندرج در اساسنامه خارج شود برخلاف حقوق ایران، همچنان شرکت در مقابل شخص ثالث مسئول است (Mehrabi, 2014). از این رو هدف این مقاله بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران و انگلیس است. در راستای اهمیت و ضرورت مقاله می‌توان بیان داشت که مسئولیت مدنی مدیران و شرکت همواره چالش‌زا و بحث بر انگیز می‌باشد چرا که معیار مناسبی در جهت اینکه چه زمانی مدیران و چه زمانی شرکت مسئولیت دارد وجود ندارد بنابراین مقایسه تطبیقی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در ایران و انگلیس با توجه به اینکه سیستم کامن لا و خاصه انگلیس یکی از سیستم‌های حقوقی پیش‌رو در این زمینه است می‌تواند راهکارهای حقوقی مناسب در جهت برطرف نمودن موانع حقوقی موجود در ایران ارائه دهد.

مسئولیت مدنی و مبانی آن

مسئولیت، واقعیت یا حالت پاسخگو بودن است. این حالت مسئولیت پذیری، پاسخگو بودن، یا پاسخگو بودن در مورد امانت، بدهی یا تعهد است. این اصطلاح چند معانی دیگر مانند امانتداری، قابل اعتماد بودن، وفاداری، کارآمدی، شایستگی، درستکاری، استحکام، استواری، ثبات، توانایی، مسئولیت پذیری، مسئولیت تقصیر، تعهد، امانت، اتهام و وظیفه دارد (Baumgärtner et al., 2018). از این رو بر اساس تعریف لغوی مسئولیت می‌توان بیان داشت که مسئولیت در اصطلاح عبارت است از: «تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول و یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد» (Hosseini Nejad, 1998) اما آنچه در این مقاله مورد توجه است نه خود بحث مسئولیت بلکه موضوع مسئولیت مدنی است که از مهم‌ترین مسائل حقوقی است و فقه و حقوق قضاء از ابتدای قرن بیستم تاکنون بوده است و این توجه و اهتمام در نتیجه تجدید و تشدید خطرات ناشی از کارهای انسان یا انجام کارهایی که در دست اوست، همچنان رو به افزایش است. پرواضح است که انقلاب صنعتی به تحولی شگرف در عرصه فناوری مدرن منجر شد که در تحقق امیدهای بشری به لحاظ ثبات و گسترش رفاه اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی داشت، گرچه این تحول به اندازه‌ای بود که انسان را خوشحال می‌کرد، اما از سوی دیگر در نتیجه خطرات فراوان ناشی از استفاده نادرست از این ماشین آلات و امکانات صنعتی برای او مایه رنج و ناراحتی بود بنابراین ماشین آلات معمولاً خطرات زیادی را با خود دارند و غالباً انسان اولین قربانی آنها است (Al-Ar'ari, 2015). شکی نیست که خطر محصولات برای فرد مصرف کننده، آسیب‌ها و خسارت‌های دوچندانی در پی دارد، از جمله، مواردی که به قسمت کیفری مربوط می‌شود و شامل خسارت مادی، جسمی یا معنوی بوده که مسئولیت کیفری تولیدکننده و همچنین مسئولیت مدنی او را مطرح می‌کند. با این حال، ما به ذکر مسئولیت آخر بسنده می‌کنیم که شامل دو قسمت تقصیری و قراردادی می‌شود. بنابراین می‌توان بیان داشت که مسئولیت مدنی تا حد زیادی بخشی از زندگی روزمره است زیرا مسائل مدنی مربوط به شهروندان عادی، حقوق آنها و حمایت از آنها است. در ساده‌ترین عبارت، مسئولیت مدنی به معنای مسئولیت اعمال و اقداماتی است که می‌تواند به دیگران آسیب برساند، اما مجرمانه نیست (Crabtree, 2019). به عبارت دیگر «مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد.» (Bahraini, 2018). بنابراین مسئولیت مدنی یکی از انواع مسئولیت هاست که ممکن است در مقابل انواع دیگری از مسئولیت‌ها مانند مسئولیت کیفری قرار گیرد. مسئولیت مدنی در معنای وسیع، مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت‌های غیر قراردادی، یعنی مسئولیت ناشی از رفتار زیان بار را در بر می‌گیرد. زیرا صرف نظر از مبانی مشابه و مشترک در هر دو نوع مسئولیت، ماهیت آنها را نیز می‌توان یکسان تلقی کرد. ما در معنای خاص، مسئولیت مدنی به مسئولیت غیر قراردادی اطلاق می‌شود.

مبانی مسئولیت مدنی

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، پیشرفت اقتصادی جدیدی صورت گرفت که خطرات ناشی از گسترش ماشین آلات مکانیکی را افزایش داد. این ازدیاد و گسترش، درصد افراد متضرر از این استفاده را افزایش می‌دهد و افراد متضرر را وادار می‌کند تا برای دریافت جبران خسارت که قاعده عمومی مسئولیت مدنی است مدرکی دال بر تقصیر ارائه دهند (Samir, 2000). علیرغم تحول و پیشرفتی که نظریه تقصیر آن را تعریف نمود، واقعیت علمی، قصورمسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر را در ایجاد حمایت مورد نیاز الزامات زندگی مدرن که با خطر

متمایز می‌شود نشان داده است. این قصور، بنا به گفته استاد رونی ساوانته^۱، در عدم احاطه و درک از شدت خسارت‌ها و آسیب‌ها، در سطوح اقتصادی، عدالت و علمی نشان داده شد چرا که درست است که تحول و پیشرفت برای انسان راحتی و آسایش غیرقابل انکاری را به ارمغان آورد، اما از طرفی دیگر نمی‌توان از خسارت‌ها و آسیب‌های محصولات که ناشی از این پیشرفت است چشم پوشی کرد.

الف- مسئولیت تقصیر

مسئولیت تقصیری بر اساس نقض التزامی است که به موجب قانون تعیین شده است. فرضیه این مسئولیت این است که بین بدهکار و طلبکار هیچ رابطه‌ای وجود نداشته باشد (Nabil, 2019). بنابراین، مسئولیت تقصیری همان نظام مسئولیت عمومی است که با تقصیر مدنی ارتكابی یک شخص علیه شخص ثالث مطابقت می‌کند. اگرچه بین نظام‌های انگلیسی (انگلکسونی) و حقوق مدنی تفاوت وجود دارد (Benhamou & et al., 2020)، اما مسئولیت تقصیری، ناشی از تقصیر است که همان نقض التزام قانونی عمومی مبنی بر عدم ایجاد خسارت به دیگران می‌باشد. اینجاست که معلوم می‌شود تقصیر بر دو عنصر استوار است: اول، مادی که همان تعدی یا انحراف است، و دوم معنوی که همان ادراک و تمیز است. بر اساس نظام مسئولیت تقصیری، برای اینکه شخص متضرر مستحق دریافت جبران خسارت باشد، بایستی که تقصیر و ضرر، و رابطه سببیت بین آن‌ها را اثبات کند در فرانسه، ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه که با دستور شماره ۱۳۱ سال ۲۰۱۶ صادر شده و با مطابق با ماده ۱۷۸ قانون مدنی مصر است، تصریح می‌کند که شخص نه تنها مسئول خسارات ناشی از عمل شخصی خود است، بلکه در قبال خسارات ناشی از عمل اشخاصی که با او هستند و یا چیزهایی که در اختیار اوست نیز مسئول خواهد بود (Brossollet et al., 2019) اما این نظریه و چهره اخلاقی آن نتوانست در رفع نابرابری و بی‌عدالتی حاصل از حوادث پیش بینی نشده جهان صنعت و قدرت عظیم موسسات و بنگاه‌ها موثر واقع شود و یا نا هنجاری‌های حادث در روابط کارگر و کارفرما و سوانح رانندگی را پاسخ گوید. گسترش قلمرو مسئولیت قراردادی، ایجاد اماره قانونی تقصیر و تحویل مفهوم اخلاقی تقصیر، به تقصیر اجتماعی و تعدیل نظریه تقصیر جهت تطبیق آن با نیازهای اجتماعی، حاصل این ضرورت است بنابراین امروزه نظریه تقصیر نیز مفهوم قدیمی خود را از دست داده است و صرفاً متوجه حقوق فردی نبوده و تضمین منافع اجتماعی را نیز لحاظ می‌کند (Ghamami, 1997).

ب- نظریه خطر یا مسئولیت نوعی

این نظریه از نظر تاریخی نظریه خطر بر نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مقدم است و این معنا در حقوق روم که هر کس مسئول اعمال خود بوده و یا در اسلام که تکیه بر جبران ضرر دارد نشانه‌هایی از این نظریه می‌باشند. به موجب این نظریه، تقصیر در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نیست و صرف ورود ضرر به دیگری موجب مسئولیت جبران ضرر می‌باشد و طبق این عقیده صرف نظر از خطا یا صواب بودن فعل مرتکب، به محض احراز رابطه علیت بین شخص و ورود زیان مسئولیت محقق می‌گردد. در این نظریه به جای احراز رابطه علیت بین تقصیر مرتکب و زیان وارده، به رابطه علیت بین عمل مرتکب و زیان مزبور توجه شده است (Asghari, 2006). «در این نظریه تقصیر به کلی نادیده گرفته شده است. بر اساس این نظریه در صورت ورود ضرر فاعل مسئول جبران خسارت وارده است. در واقع اینجا اصل بر مسئولیت و جبران می‌باشد و به دلیل قرار نگرفتن این نظریه بر پایه تقصیر اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط‌های لازم تأثیری در مسئولیت ندارد» (Pasban, 2011). در این نظریه تنها راه برای معافیت از مسئولیت اثبات وجود علت خارجی است زیرا در صورت احراز علت خارجی رابطه مفروض

¹ - Roni Savante

میان فعل و خسارت قطع می‌شود و وی از مسئولیت معاف خواهد شد بعد از بررسی تعریف، اهمیت و مبانی مسولیت اعم از نظریه تقصیر و خطا لازم است تا اکنون بحث مسئولیت مدنی در شرکت مورد بررسی قرار گیرد.

مسئولیت مدنی شرکت

قانون یک شخصیت حقوقی ساختگی به شرکت‌ها اعطا می‌کند که حقوق، وظایف و اموال را به آن‌ها واگذار می‌کند. در نتیجه، یک شرکت می‌تواند شکایت کند یا می‌تواند مورد شکایت قرار گیرد و در قبال اعمال انجام شده توسط خود مسئولیت مدنی و کیفری پیدا کند بنابراین می‌توان بیان داشت که مسئولیت مدنی شرکت‌ها در موارد صدمه بدنی، خسارت به اموال و هرگونه ضرر اقتصادی وارده به اشخاص ثالث یا مشتریان ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی متوجه شرکت‌ها نیز شده است. اگرچه شرکت یک شخص مصنوعی است که مغز و بدن خود را ندارد، با این حال، مسئولیت اعمال نادرست نمایندگان یا خدمتکاران خود را در طول دوره کارشان بر عهده خواهد داشت. این مسئولیت مبتنی بر اصل مسئولیت نیابتی است. این امر با اصل لاتین «Qui facit alium facit per se» بیشتر تقویت می‌شود به این معنی که عمل مجاز که از طریق دیگری انجام می‌شود توسط او انجام می‌شود. بنابراین، شرکت در قبال تخلفات کارکنان و عوامل خود مسئول است، همانطور که یک ارباب مسئول اعمال ناروا و سهل انگارانه خدمتگزاران خود است. بنابراین، بر اساس اصل نمایندگی، ارباب، یعنی شرکت، مسئول اعمال خادمان در حین استخدام خواهد بود. کلمه عملیاتی در اینجا دوره اشتغال است. هر عملی که هر چند توسط نماینده انجام شده باشد ولی در حیطه وظایف او نباشد و از طرف اصیل مجاز به انجام آن نباشد، شرکت مسئولیتی در قبال آن نخواهد داشت. فقط شخصی که این عمل را انجام می‌دهد مسئول است (Jha, 2020).

در واقع، مسئولیت شرکتی که به آن مسئولیت اشخاص حقوقی نیز گفته می‌شود، تعیین می‌کند که شرکت به عنوان یک شخص حقوقی تا چه اندازه می‌تواند در قبال اعمال و اشتباهات سهوی اشخاص حقیقی که استخدام می‌کند مسئول شناخته شود. از آنجایی که شرکت‌ها و سایر نهادهای تجاری بخش عمده‌ای از چشم انداز اقتصادی را تشکیل می‌دهند، مسئولیت شرکت عنصر کلیدی در اجرای قانون موثر برای جرایم اقتصادی است. نقشه‌برداری سال ۲۰۱۶ از سیستم‌های مسئولیت شرکتی ۴۱ کشور، تغییرات گسترده‌ای را در رویکردهای مسئولیت نشان می‌دهد و این که مسئولیت شرکتی حوزه‌ای پویا از نوآوری و تکامل حقوقی است. عناصر طراحی مهم سیستم‌های مسئولیت شرکتی شامل حوزه قضایی، مسئولیت جانشین، نهادهای مرتبط و غیر مرتبط به عنوان منبع مسئولیت، تحریم‌ها و عوامل کاهش دهنده است (OECD, 2016).

امروزه تنظیم گران دولتی، سهامداران و سایر اشخاص ثالث اکنون به دقت رفتار شرکت را بررسی می‌کنند و خواستار پاسخگویی برای تخلفات هستند. این افزایش تمرکز منجر به تشدید قوانین با هدف بازدارندگی و مجازات تخلفات شرکتی شده است. در نتیجه، شرکت‌ها با خطرات عظیمی از جمله تحقیقات وزارت دادگستری، کیفرخواست، جریمه‌های کلان، محرومیت، ناظران منصوب دادگاه، از دست دادن شهرت در بازار و هزینه مالی دفاع از خود روبرو هستند (Norton Rose, 2016). بنابراین و بر اساس مطالب فوق می‌توان بیان داشت که موارد مسئولیت مدنی شرکت‌ها شامل موارد زیر باشد:

- می‌تواند ناشی از موقعیت‌های مختلف (مانند یک اقدام نادرست، عدم رعایت شرایط قرارداد، عدم اجرای و غیره) باشد، چه در طول فعالیت روزانه شرکت و چه پس از تحویل محصولاتی که تولید کرده است و هنوز مسئول آن است.
- ممکن است توسط خود شرکت (به دلیل فعالیت‌ها یا محل‌های آن، به عنوان مثال)، صاحب و یا کارکنان آن ایجاد شود.

- ممکن است مربوط به آسیب‌های وارد شده به انواع شخص ثالث (مشتری، تامین کننده، بازدید کننده و غیره) باشد.
- می تواند قراردادی (عدم انجام یا ضعیف بودن تعهدات قراردادی)، مجرمانه یا شبه مجرمانه (زیان‌های ناشی از خارج از چارچوب قراردادی) باشد.
- مسئولیت مدنی برای «تصرف اماکن»
- مسئولیت ماموران شرکت (سوء مدیریت، خطای واقعی یا قانونی، نقض تعهدات نظارتی و غیره)
- مسئولیت مدنی عملیاتی^۱
- صدمات بدنی متحمل شده توسط نمایندگان شرکت
- مسئولیت مدنی مرتبط با محصول (پس از تحویل یا پس از پذیرش)
- هزینه‌های جمع آوری و تحویل مجدد برای محصول معیوب یا داری نقص تحویل داده شده توسط شرکت و جایگزینی با محصول غیر معیوب.

چگونگی مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق انگلیس

مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس همواره مطرح بوده است لذا قانونگذار انگلیس بر سه نظریه: التراگو، تقصیر جمعی و نظریه مسئولیت بر اساس سیاست شرکت استوار است متناسب با این سه نظریه حقوق انگلیس دو راه برای فرض مسئولیت مدنی شرکت و مدیران آن‌ها در نظر گرفته است. راه اول این است که یک شرکت ممکن است همانند شخص حقیقی، برای ارتکاب مسئولیت مدنی و آثار معمول آن (جبران خسارت) مسئول باشد برای اثبات چنین مسؤولیتی ضروری است که شخصی که اعمال ایشان به عنوان اعمال شرکت تلقی می‌شود، شناسایی شود (برای مثال در قضیه گلوبال، قواعد انتساب توسط آقای لودهوفمن به کار برده شد) و سپس این که ضروری است که اثبات شود اعمال این اشخاص کافی در جذب مسئولیت ناشی از ارتکاب مسئولیت مدنی شرکت است. بنابراین مدیران در صورتی که صداقت و درستکاری و رعایت احتیاط کافی عمل کنند مسئول خساراتی که از مدیریت ناشی می‌شود نیستند در عین اینکه برای کارهای ناشی از بی مبادلاتی و یا عمدی در هر حال مسئولیت سختی دارند. آنچه در حقوق انگلیس از اهمیت خاصی برخوردار است این است که مدیران شرکت مسئولیت شخصی در قبال اشتباهات انجام شده بوسیله شرکت را ندارند (Anderson, 1965). در همین راستا بند ۳ ماده ۳۵ جدید اشعار می‌دارد که: «وظیفه مدیران دائر بر رعایت همه محدودیتهای وارده بر اختیاراتشان که از اساسنامه ناشی می‌شود پابرجاست، یک اقدام توسط مدیران که به لحاظ بند (۱) وراء اهلیت شرکت خواهد بود فقط ممکن است به وسیله شرکت با مصوبه‌ای ویژه تصویب گردد. مصوبه‌ای که چنین اقدامی را تصویب می‌کند تأثیری در مسئولیت متحمل شده بوسیله مدیران یا هر شخص دیگری نخواهد داشت، معافیت از چنین مسؤولیتی باید جداگانه از طریق مصوبه‌ای ویژه مورد توافق قرار گیرد».^۲ اما در شرکت مدنی در انگلیس مسئولیت مدیران سابق تابع قانون پارتنرشپ ۱۸۳۷ است این قانون بین ماهیت مسؤولیت شرکا در قبال دیون و تعهدات در یک سو و نسبت به زیان‌های قهری، جرایم و سایر خطاها از سوی دیگر، تفاوت آشکاری قائل شده. بخش ۳ این قانون مقرر داشته هر شریک در بنگاه در قبال دیون و با سایر شرکا مسؤول ۲ تعهدات بنگاه که

¹ Operational civil liability

². Section 35 (3): It remains the duty of the directors to observe any limitation on their power flowing from the companies memorandum an action by the directors which but for subsection (1) would be beyond the company capacity may only be ratified by the company by special resolution.

A resolution ratifying such action shall not affect any liability incurred by the directors or any other person, relief from any such liability must be agreed to separately by special resolution.

در زمان شراکت او تحمیل شده مشترکاً است. از جهت دیگر بخش ۱۲ مقرر داشته هر شریک طبق بخش‌های ۱۷ و ۱۱ متضامناً با سایر شرکا برای هر امر که بنگاه در زمان شراکت او مسؤول شده؛ مسؤول خواهد بود. باید توجه داشت مسؤولیت مشترک در اینجا با مسؤولیت نسبی در حقوق ایران تفاوت دارد و در مسؤولیت مشترک نیز شریک مسؤول پرداخت کلیه دیون است (Aghdas Teynat, 2018).

اعم مسؤولیت مدنی مدیران شرکت در انگلیس

با توجه به اینکه در حقوق انگلیس شرکت یک شخص حقوقی مجزا از صاحبان آن (سهامداران) و کسانی که آن را مدیریت می‌کنند (مدیران) است. در بیشتر موقعیت‌ها، برای یک شخص ثالث دشوار است که "پرده شرکت را سوراخ کند" و با موفقیت علیه مدیران ادعایی کند، اما این همه داستان را بازگو نمی‌کند. در تعداد فزاینده‌ای از سناریوها، از آنجایی که مدیران کنترل روزانه یک شرکت را دارند، مشمول مسؤولیت‌های قانونی (کیفری و مدنی) بالقوه برای مدیران هستند. همه مدیران شرکت باید اطمینان حاصل کنند که از مسؤولیت شخصی بالقوه آگاه هستند، مطابق با آن عمل کنند، و راه‌هایی را برای محافظت قانونی از خود در نظر بگیرند. برخی از مهم‌ترین خطرات برای مدیران که مسؤولیت آن‌ها را در حقوق انگلیس به دنبال دارد عبارت‌اند از:

۱- **مسؤولیت بهداشت و ایمنی:** مسؤولیت بهداشت و ایمنی اساساً بر عهده شرکت است و نه مدیران فردی، اما در مواردی که یک شرکت مرتکب تخلف ایمنی و بهداشت می‌شود و مدیران با ارتکاب آن تخلف یک مدیر موافقت کرده‌اند یا با ارتکاب آن تخلف از سوی مدیر موافقت کرده‌اند یا به وضوح سهل‌انگاری کرده‌اند که باعث این تخلف شده است، مدیر ممکن است طبق ماده ۳۷ قانون بهداشت و ایمنی در محل کار و غیره (۱۹۷۴) تحت تعقیب قرار گیرد که حداکثر مجازات آن ۲ سال زندان و جریمه نقدی نامحدود است. (<https://jebaring.co.uk>). او همچنین ممکن است برای مدتی از سمت مدیر رد صلاحیت شود (بخش ۲(۱) قانون سلب صلاحیت مدیران شرکت ۱۹۸۶).

۲- **قانون رشوه:** قانون رشوه ۲۰۱۰ حاوی مقررات بسیار سختی علیه مدیران است. در اصل، مدیران می‌توانند با مسؤولیت کیفری، از جمله جریمه‌های بسیار قابل توجه، مواجه شوند، حتی در مواردی که هیچ کاری برای تشویق یا مقابله با رشوه یا فساد انجام نداده باشند و حتی از آن اطلاعی نداشته باشند. این قانون تعهدات مثبتی را بر عهده مدیران می‌گذارد تا تمام اقدامات منطقی را به طور فعالانه برای جلوگیری از رشوه و فساد انجام دهند. نقطه شروع برای هر شرکتی مبتنی بر داشتن سیاست‌های مناسب و آموزش برای کارکنان خواهد بود، اما تجزیه و تحلیل مستمر ریسک، نظارت بر انطباق و سایر ابتکارات نیز ضروری است. هرچه شرکت بزرگ‌تر باشد، انتظار می‌رود مدیران اقدامات بیشتری برای رعایت آن‌ها انجام دهند و انتظار می‌رود که مشاغلی که در سطح بین‌المللی یا در بخش‌هایی که بیشتر مستعد فساد هستند تجارت می‌کنند، به‌ویژه هوشیار باشند.

۳- **قانون ورشکستگی:** قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ شامل مقررات مختلفی برای تخلفات مدیر است. اگرچه آن‌ها فقط زمانی اعمال می‌شوند که شرکتی انحلال شده است (بنابراین برای مدیریت اعمال نمی‌شود و این دلیلی است که در برخی شرایط طلبکاران به طور اصولی اطمینان حاصل می‌کنند که یک شرکت منحل می‌شود تا مدیرانی که مشکوک به تخلف هستند، تحت تأثیر قرار گیرند. بررسی شده) مربوط به رفتار مدیران قبل از انحلال است. مثلاً ماده ۲۱۴ - تجارت نادرست این قانون می‌گوید مدیر تصفیه ممکن است از دادگاه درخواست کند تا حکمی مبنی بر اینکه مدیری شخصاً مسؤول جایگزینی دارایی‌های شرکت شناخته شود، در صورتی که مدیر می‌دانست یا باید به این نتیجه می‌رسید که دورنمای معقولی وجود ندارد که شرکت از انحلال ورشکستگی جلوگیری کند و او اقدامات لازم را انجام نداده باشد تا ضررهای احتمالی

برای طلبکاران را به حداقل برساند، مسئول است. یا ماده ۲۱۳ تحت عنوان تجارت متقلبانه می‌گوید اگر شخصی با علم یا مشکوک بودن به اینکه وجهی برای پرداخت بدهی وجود نخواهد داشت، اعتبار کسب کند، ممکن است قصد کلاهبرداری استنباط شود. در صورت اثبات، مدیر علاوه بر مسئولیت مشارکت در دارایی‌های شرکت، مرتکب یک جرم کیفری نیز خواهد شد. ماده ۲۱۲ تحت عنوان استرداد خطا نیز تصریح می‌کند که مدیر تصفیه، بستانکار یا سهامدار می‌تواند برای جبران خسارت در صورتی که مدیران به اشتباه اعمال کرده اند یا حفظ کرده اند یا مسئول هر گونه پول یا دارایی شرکت شده اند، شکایت کنند. به عنوان مثال، این شامل پرداخت نادرست سود سهام، استفاده از پول برای منافع شخصی مانند وام یا حقوق بیش از حد است. ماده ۲۳۸ مدیران را در رابطه با معاملات با ارزش کمتر مسئول می‌داند؛ یک معامله با ارزش کمتر زمانی اتفاق می‌افتد که در ۲ سال قبل از انحلال شرکت، دارایی‌ها به میزان قابل توجهی کمتر از ارزششان کنار گذاشته شوند. مدیرانی که مشخص شود در تخلفات مرتبط با ورشکستگی، مانند آنچه در بالا توضیح داده شد، دست داشته اند، ممکن است با رد صلاحیت مواجه شوند، که در موارد شدید، تا ۱۵ سال طول می‌کشد (<https://jebaring.co.uk>).

مدیرانی که آگاهانه یا سهل انگارانه به شرکت اجازه می‌دهند در صورت ورشکستگی به تجارت ادامه دهد، ممکن است در قبال تجارت متقلبانه یا نادرست مسئول شناخته شوند. اینها مدیر را در معرض مسئولیت مشارکت در دارایی‌های شرکت در انحلال قرار می‌دهد و در صورت تجارت متقلبانه، مجازات‌های کیفری را در پی دارد. در صورتی که مدیر بتواند دادگاه را متقاعد کند که هر اقدامی را که باید برای به حداقل رساندن ضرر طلبکاران انجام می‌داد، انجام دهد، می‌توان از مسئولیت تجارت نادرست اجتناب کرد. در عمل، این ممکن است توانایی مدیر را برای استعفا زمانی که شرکت ورشکسته یا نزدیک به ورشکستگی است، محدود کند. اگرچه تخلف تجارت غیرقانونی در واکنش به همه‌گیری کووید-۱۹ به طور موقت به حالت تعلیق درآمده است، مدیران ممکن است همچنان در قبال تجارت متقلبانه مسئول باشند و همچنین ممکن است در معرض رد صلاحیت باشند. علاوه بر این، مسئولیت شخصی مدیران ممکن است، در شرایط خاصی، بر اساس قوانین بریتانیا از جمله موارد مربوط به محیط زیست، بهداشت و ایمنی، اشتغال، حمایت از مصرف کننده و رشوه/ مبارزه با فساد ایجاد شود. در موارد خاص ممکن است مسئولیت کیفری ایجاد شود. همچنین ممکن است یک مدیر توسط دادگاه از فعالیت به عنوان مدیر یا شرکت در ارتقاء، تشکیل یا مدیریت یک شرکت سلب صلاحیت شود. حکم سلب صلاحیت می‌تواند به دلایل مختلفی صادر شود (مثلاً محکومیت برای جرائم جنایی مربوط به اداره یک شرکت، نقض مداوم تعهدات قانونی مانند ثبت اسناد در ثبت شرکت‌ها، مسئول شناخته شدن برای تجارت متقلبانه یا نادرست و به طور کلی برای رفتاری که یک مدیر را برای مدیریت شرکت ناتوان می‌کند). عدم رعایت تعهدات مربوط به شرکت، مانند تهیه و تشکیل حساب‌ها، می‌تواند منجر به جریمه برای مدیران فردی شود (Dlapiper, 2021).

بنابراین و بر اساس مسائل مطرح شده در فوق می‌توان بیان داشت که اختیارات بر دو نوع است: ۱- واقعی یعنی آن اختیاراتی که در واقع از سوی شرکت به مدیران اعطا می‌شود و در قرارداد درج می‌شود.

۲- ظاهری که در واقع ثالث مدیر را صاحب اختیار فرض می‌کند و آن هم به طور معقول مدیر را صاحب اختیار می‌داند که علی‌الاصول مدیران از جهت کارهایی که انجام می‌دهند و قراردادهایی که منعقد می‌کنند مسئولیتی ندارند از این رو در راستای درک درست مسئولیت مدنی مدیران و شرکت در حقوق انگلیس لازم است تا قائل به تمایز میان دو گروه از شرکت‌ها باشیم: اولاً: در مورد شرکت‌هایی که به موجب فرمان یا منشور سلطنتی تاسیس می‌شوند در این شرکت‌ها مدیران موظفند در حدود اختیارات مقرر مبادرت به انجام معامله نمایند بنابراین اگر خارج از حدود اختیارات مبادرت به انجام معامله نمایند در این صورت شرکت مسئولیتی ندارد چون معامله خارج از اهلیت تلقی می‌شود و باطل

است. در این صورت مدیر مسئولیت دارد و باید در مقابل شخص ثالث پاسخگو باشد. اگر شرکت مزبور به عملیات خارج از حدود اختیاراتش اصرار ورزد، مقام سلطنت که فرمان مربوطه را صادر کرده است ممکن است آن فرمان را لغو کند. ثانیاً: در مورد دو شرکت قانونی و ثبت شده است که می‌توان بیان داشت، با توجه به قوانین فعلی هر گاه مدیران از حدود اختیارات تجاوز کنند همچنان شرکت مسئول است به عبارتی قاعده آلتراویرز در مورد این شرکت‌ها اعمال نمی‌شود. کلیه معاملات واقع شده توسط شرکت معتبر و داخل در اهلیت آن فرض می‌شود و شرکت در هر صورت مسئول است حتی اگر معاملات انجام شده از سوی مدیران خارج از اختیارات شرکت باشد (Mehrab, 2014). بنابراین در نظام حقوقی انگلستان مسئولیت مدیران برای نقض وظایف عمومی در بخش ۱۱۱ - ۱۱۱ قانون شرکت‌ها مشخص شده است. هدف اصلی از مسئول دانستن مدیر در این نظام حقوقی، جلوگیری از نقض وظایف است و نه جبران خسارت. همچنین در حقوق انگلیس قاعده تضامن به عنوان اصل پذیرفته شده است. بنابراین چنانچه کسی مرتکب نقض تعهدات قانونی، قراردادی یا وظایف امانی مدیران یعنی تلاش در تحصیل بهترین منافع شرکت و عدم اعمال منافع شخصی گردد و از این جهت خساراتی را به شرکت وارد نماید، منفرداً و متضامناً مسئول خواهد بود (Bagherieh & Zahedi, 2019).

مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران

در حقوق ایران، مسئولیت‌های مدنی مدیران و مدیرعامل بر دو نوع است: مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی. رژیم تحقق این دو نوع مسئولیت در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ بیان شده است مبنی بر اینکه مدیران و مدیرعامل با تخلف در انجام دادن وظایف‌شان ممکن است با دو نوع مسئولیت مواجه شوند:

مسئولیت عادی: به موجب ماده ۱۴۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفردات یا مشترکات مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود. در حقوق ایران مسئولیت مدنی مدیران نیز مبتنی بر این است که: اداره بد شرکت موجب مسئولیت مدیران یا مدیرعامل است. مسئولیت مدیران یا مدیرعامل یا انفرادی است، یا اشتراکی. لفظ اشتراکی در مقابل تضامنی قرار می‌گیرد؛ با این توضیح که در مسئولیت اشتراکی دادگاه سهم هر کدام از مدیران و مدیرعامل را که با هم مرتکب تخلف شده‌اند. در ورود خسارت و جبران آن معین می‌کند و هر کدام از آنان به پرداخت قسمتی از خسارت محکوم می‌شوند؛ در حالی که در مسئولیت تضامنی هر کدام از متخلفان به پرداخت تمام خسارت محکوم می‌شوند. چون مسئولیت تضامنی از مسئولیت عادی سخت‌تر است، قانون‌گذار آن را فقط به موردی اختصاص داده است که تخلف موجب ورشکستگی شرکت قبل از انحلال، یا عدم قدرت آن به پرداخت دیون بعد از انحلال شده باشد (Bagherieh & Zahedi, 2019). از این رو در خصوص بحث مسئولیت مدنی مدیران شرکت در حقوق ایران می‌توان بیان داشت که در جریان تاسیس شرکت اقدامات و تصمیمات گرفته شده از سوی اشخاص دست اندرکار امر تشکیل شرکت، عمدتاً مؤسسين شرکت ممکن است مسئولیت‌های مدنی و کیفری به همراه داشته باشد. لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ این امر را در مواد ۱۹، ۲۳، ۲۷۰ در نظر گرفته شده است در ماده ۱۹ ل.ا.ق.ت به تحمیل هزینه‌ها بر مؤسسين شرکت در صورت تشکیل نشدن شرکت تصریح کرده است و در ماده ۲۳ ل.ا.ق.ت بر مسئولیت تضامنی حاصل از "اعمال و اقداماتی" که به منظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند، برای مؤسسين مسئولیت تضامنی در نظر گرفته است (Pasban, 2011). در این راستا ماده ۱۴۳ اشعار می‌دارد که: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صالحیت دار می‌تواند به تقاضای هر ذی نفع هر

یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید» در تحلیل این ماده و در راستای مسئولیت مدنی مدیران می‌توان بیان داشت که به طور کلی از آنجایی که شخص حقوقی نمی‌تواند اداره خود را جز به انسان وسیله‌ها انجام دهد پس الزم است به وسیله مدیران اعمال حقوقی خود را انجام دهند. لذا مدیران شرکت مسئول کلیه خساراتی هستند که از جانب آن‌ها به شرکت یا صاحبان سهام یا طلبکاران وارد شده است. البته این مسئولیت زمانی محقق می‌شود که اولاً، ضرری به شرکت یا اشخاص ثالث وارد شده باشد، ثانیاً فعل زیانباری از جمله تخلف از مواد قانونی، اساسنامه شرکت، مصوبات مجمع عمومی و یا حتی تکالیف عرفی توسط مدیر شرکت صورت گرفته باشد و ثالثاً بین فعل مدیر و ضرر وارد شده رابطه سببیت وجود داشته باشد (Bagherieh & Zahedi, 2019).

براساس ماده ۳۱۸ لایحه تجارت در صورت عدم تشکیل شرکت به دلیل عدم تکمیل سرمایه تعهد شده در اعلامیه پذیره نویسی مؤسسان باید ظرف ده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند. در صورت عدم تشکیل شرکت، متعهد پذیره نویسی مسئول جبران خسارت وارد شده است. همچنین بر اساس ماده ۳۹۵ لایحه تجارت مؤسسان باید کلیه هزینه‌های لازم در اعلامیه پذیره نویسی را با اطلاع مجمع عمومی مؤسس انجام دهند و چنانچه مجمع عمومی مؤسس این هزینه‌ها را تصویب نکند هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقدامات منفرداً مسئولیت دارد. با استناد به ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت استناد نمود که بیان می‌دارد که: «اگر مدیران در تصمیمات و عملیات خود مقررات قانونی را رعایت نکنند هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه بطلان آن تصمیمات و عملیات را خواستار شود و برای جبران خسارت وارده تقاضای محکومیت تضامنی کسانی را که موجبات بطلان را فراهم ساخته‌اند، کند» بر اساس ماده ۲۴۲ لایحه تجارت نیز مدیر عامل باید کلیه تصمیمات هیات مدیره را اجراء کند و در صورت استنکاف مدیر از اجرای تصمیمات هیات مدیره، مجامع عمومی، اساسنامه و مقررات و قوانین، رئیس هیات مدیره می‌تواند هیات مدیره را برای استماع توضیحات مدیر عامل در این باره دعوت نماید..... اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی برخلاف مقررات این ماده مقرر نماید. ملاحظه می‌شود که قانونگذار در اکثر موارد مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ را در لایحه تجارت تکمیل نموده است. همچنین ماده ۲۴۲ لایحه تجارت به نظریه نمایندگی، بسیار نزدیک است به گونه‌ای که مدیر عامل به عنوان نماینده باید تصمیمات هیات مدیره و مجامع را مطابق مقررات اساسنامه شرکت اجراء نماید (Mehrabi, 2014).

برابر ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت مدیران (هیأت مدیره و مدیر عامل) نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی (عادی یا فوق العاده) در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، بر حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک از مدیران مزبور را جهت جبران ضرر و زیان وارده به متضرر تعیین خواهد نمود. ملاحظه می‌شود که در ماده مذکور برای مدیران دو نوع مسئولیت منفرد و مشترک پیش بینی شده است. بدیهی است در صورت اثبات تخلف مدیران از مقررات قانونی، اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی، دادگاه میزان مسئولیت هر یک از فاعلین زیان را برای جبران خسارت وارده به زیان دیده تعیین می‌نماید.

دیوان عالی کشور در رای شماره ۳/۵۹۸ مورخ ۷۰/۱۱/۸ شعبه ۳ در خصوص اختیارات مدیر عامل و رئیس هیات مدیره مقرر داشته که بر طبق مقررات قانون تجارت و اساسنامه شرکت مدیر عامل و رئیس هیات مدیره شرکت نماینده قانونی شرکت محسوب و دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند و می‌توانند منشاء تعهدات قرار گیرند و اعمال او در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر می‌باشد و در خصوص معاملاتی که مرتبط با شرکت واقع می‌شود اگر از حدود و اختیارات مندرج در اساسنامه خارج شود حسب مورد در مقابل مجمع عمومی (سایر سهامداران) مسئول شناخته می‌شود (Mirzaei Monfared, 2010).

در همین زمینه نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین مقررات قوه قضائیه به شماره ۷/۱۴۸۸ مورخ ۷۸/۴/۲ "مدیر عامل شرکت نماینده شرکت است و در سمت نمایندگی شرکت در صورتیکه طبق قوانین و مقررات و اختیارات خود عمل کرده باشد شخصا مسؤولیتی ندارد و در صورتیکه خارج از حدود اختیارات عمل کرده باشد، شخصا از باب تسبیب و مسؤولیت مدنی مسؤول است.

بر اساس ماده ۲۱۸ لایحه تجارت نیز هر یک از مدیران در باره تصمیماتی که برخلاف قانون، مقررات، اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می‌کنند حسب مورد، منفرداً، یا مشترکاً در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسؤول می‌باشند، حدود مسؤولیت هر یک از مدیران را دادگاه تعیین می‌کند. ضمناً قانونگذار مدیران و مدیر عامل شرکت را نسبت به تخلف از مقررات قانون یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع، بر حسب مورد، در مقابل شرکت و یا اشخاص ثالث ذینفع، منفرداً یا مشترکاً مسؤول می‌داند بنابراین شرکت به وسیله نمایندگان و یا مدیران منتخب جدید و اشخاص ثالث مزبور می‌توانند اقامه دعوی مسؤولیت علیه مدیران سابق شرکت بنمایند و دادگاه حدود مسؤولیت هر یک از مدیران مذکور را برای جبران خسارات وارده به زیان دیده تعیین خواهد نمود. (ماده ۱۴۱، ل.ا.ق.ت). بدیهی است که شرکت و یا شخص ثالث زیان دیده به منظور اخذ خسارت باید در عین حال تقصیر فاعل یا فاعلین زیان که عبارت از تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی می‌باشد و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و زیان وارده را ثابت نماید (Irfani, 2009).

قانون اصلاحی تجارت برای جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات فاقد ضمانت اجرایی می‌باشد. اما آنچه مسلم است مدیری که از اختیارات خود در هدفی غیر از منافع شرکت استفاده نموده مرتکب خطا شده است و باید ضرر و زیان وارده به شرکت، به سهامدار و به شخص ثالث ذینفع را جبران نماید (Irfani, 2009). این اشکال خوشبختانه در لایحه تجارت برطرف شده است به گونه‌ای که در لایحه تجارت در مبحث سوم، گفتار دوم در مواد ۶۵۳ لغایت ۶۷۰ مقرراتی را برای ضمانت اجرای مسؤولیت‌های مرتبط به مدیر و مدیر عامل شرکتها در نظر گرفته است به عنوان مثال در ماده ۶۵۸ لایحه تجارت "مدیر یا مدیران یا مدیر عامل شرکت که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و محرومیت درجه شش از تاسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند:

- ✓ تقسیم منافع موهوم بین شرکاء و یا سهامداران بدون داشتن صورت‌های مالی یا به استناد صورت‌های مالی خلاف واقع.
- ✓ ارائه یا انتشار صورت‌های مالی خلاف واقع به شرکاء و یا سهامداران به منظور پنهان نگه داشتن وضعیت واقعی شرکت.
- ✓ استفاده از اختیارات خود یا اموال یا اعتبارات شرکت، برخلاف منافع شرکت
- ✓ تقسیم سود برخلاف مقررات این قانون

تبصره: عدم امضای صورت‌های مالی به وسیله مدیرعامل یا هر یک از مدیران رافع مسؤولیت‌های مدنی و کیفری وی در صورت‌های مالی نیست. سلب مسؤولیت از مدیرعامل یا مدیران مذکور منوط به آن است که نامبردگان نظر مخالف خود را به صورت مستدل در ذیل صورت‌های مالی درج کنند در صورتی که به هر علت این امر ممکن نگردد اشخاص مذکور باید ظرف ده روز از اطلاع از تصویب صورت‌های مالی به وسیله مدیران مخالفت خود را به طور کتبی به اطلاع شرکت برسانند."

در قانون مدنی نیز بیان شده است که اگر مدیر شرکتی به هنگام افزایش سرمایه شرکت و جوهری را از سهامداران بابت پذیره نویسی سهام دریافت کرده و شخصاً برداشت نموده باشد در این صورت مستقیماً به سهامدار مزبور زیان وارد کرده و برابر اصول کلی مرتکب تقصیر عمدی شده است و سهامدار می‌تواند علیه وی اقامه دعوی مسؤولیت نماید (Masoudi, 2004). در زمینه سوء استفاده از اختیارات مدیران باید گفت سوء استفاده از حق و سوء استفاده از حقوق تجارت ایران تعریف نشده است. اما تجاوز از حق در فقه اسلامی در قاعده

لاضرر مطرح شده است و تجاوز از حق زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخصی در اثر اعمال حق خود با قصد اضرار به غیر موجبات ضرر به دیگری را فراهم سازد و در چنین صورتی مرتکب تقصیر عمدی شده، در صورت برقراری رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده، زیان دیده می‌تواند خسارات وارده به خود را بر طبق مواد پیش بینی شده در قانون مدنی از فاعل زیان اخذ نماید (Masoudi, 2004). اما اگر فاعل زیان در استفاده از حق خود قصد اضرار نداشته ولی به نحوی از انحاء از حق خود سوء استفاده نموده باشد در این صورت سوء استفاده از حق ناشی از تقصیر غیر عمدی تحقق پیدا می‌نماید که در خارج از هر گونه قصد اضرار ولی با بی احتیاطی و یا عدم توجه به عواقب اجرای حق صورت می‌گیرد ممکن است گفته شود در این مورد نیز با توجه به ماده ۳۲۸ (ق.م) که بیان داشته: "... روی عمد تلف کرده باشد یا غیر عمد..." تفکیکی بین مسئولیت ناشی از سوء استفاده از حق^۱ و تقصیر عمد وجود نخواهد داشت.

بنابراین بر اساس مسئولیت مدنی در ایران خاصه قانون تجارت و قانون مدنی می‌توان بیان داشت که در شرکت‌های تجاری مدیر موظف است در چارچوب اختیارات اعطایی از سوی شرکت مبادرت به انجام معاملات و غیره نماید. بدیهی است اگر مدیر در چارچوب حدود اختیارات اعطایی از سوی شرکت مبادرت به انجام معامله نماید در این صورت شرکت مسئول است چون اقدامات انجام شده از سوی مدیر متناسب به شرکت خواهد شد.

در ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت قانون‌گذار مقرر کرده که حتی اگر مدیری از حدود اختیارات تجاوز کند شرکت همچنان مسئول است به عبارتی محدودیت اختیارات مقرر شده از سوی شرکت برای مدیران در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست به عبارتی عملاً از موازین قانون مدنی فاصله گرفته شده است بنابراین هر گاه مدیران شرکت‌های سهامی با اشخاص ثالث قراردادی منعقد نمایند اما از حدود اختیارات خارج شده باشند البته با این فرض که تمامی شرایط دیگر مربوط به این بخش رعایت شده باشد نه تنها قرارداد برخلاف موازین قانون مدنی باطل نیست بلکه شرکت در مقابل شخص ثالث مسئول است که به طور مسلم این روش بسیار متریقی است که موجب می‌شود نه تنها حقوق اشخاص ثالث حفظ بشود بلکه اهداف قانون تجارت که عبارتست از سرعت و امنیت، تأمین گردد. اما مطابق (ماده ۱۰۵ ق.ت) هر گاه مدیران خارج از اختیارات مبادرت به انعقاد قرارداد نمایند در این صورت شرکت مسئولیتی ندارد زیرا شرکت به موجب ماده ۱۰۵ می‌تواند در مقابل اشخاص ثالث به محدودیت اختیارات مدیر استناد نماید. بنابراین در این صورت خود مدیر بایستی در مقابل اشخاص ثالث پاسخگو باشد (Irfani, 2009).

نتیجه‌گیری

شرکت و فعالیت مربوط به آن‌ها از جمله مسائل بسیار مهم در توسعه اقتصادی و رشد یک کشور به حساب می‌آیند این موضوع سبب شده تا همواره شرکت‌ها در درجه اول اهمیت و اولویت قرار گیرند لذا کشورها تلاش دارند تا همواره مبادرت به تدوین قوانین خاص این شرکت‌ها نمایند تا بتوانند نقش و اهمیت آن‌ها در بحث توسعه را حفظ نمایند از جمله این قوانین می‌توان به بحث «مسئولیت مدنی مدیران» اشاره نمود از این رو در خصوص بحث اهمیت مسئولیت مدنی می‌توان بیان داشت که مسئولیت مدنی همان مفهوم قانون را ندارد چرا که از یک سو

^۱ Abus de droit- Abuse of right

^۲ ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت مقرر می‌دارد: «جز درباره‌ی موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره‌ی امور شرکت می‌باشند مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کانلم یکن است».

نمی‌توان آن را به یک قانون ماهوی خاص مانند جرایم، قراردادها یا استرداد تقلیل داد و از سوی دیگر نیز مسئولیت مدنی را نمی‌توان صرفاً به قانون جبران خسارت تقلیل داد، بنابراین آنچه در بحث مسئولیت مدنی مدیران و شرکت حائز اهمیت است توجه به دو مولفه‌ی «مدافع مسئول است» یا «مدافع مسئول نیست» ضروری می‌باشد به طور کلی، تأمل در مورد مسئولیت مدنی مدیران شرکت به دو بخش تقسیم می‌شود: مسئولیت به عنوان وظیفه و مسئولیت به عنوان هزینه. بنابراین با بررسی این مقاله می‌توان بیان داشت که بحث مسئولیت مدنی شرکت و مدیران آن در حقوق ایران و انگلیس مطرح می‌باشد به عبارت دیگر هر دو قانون مسئولیت مدنی مدیران را پذیرفته اند اما بررسی نتایج این مقاله در حوزه مسئولیت مدنی مدیران شرکت در ایران و انگلیس بر وجود چالش‌هایی از جمله اینکه اولاً، در حقوق ایران ما شاهد تعریف جامعی از خسارت معنوی اعم از تمام صدمات جسمی و روحی و شخصیتی که مربوط به جنبه‌های غیر مالی اشخاص در قوانین ایران و مربوط به شرکت یا مدیران آن باشد نیستیم، ثانیاً؛ قاعده اصلی در دعاوی مسئولیت مدنی این است که زیان دیده جهت مطالبه خسارت می‌بایست تقصیر فاعل زیان را در ورود خسارت به اثبات برساند اما مواردی وجود دارد که استثنایی بر این قاعده اولیه وارد آورده است و ضرورت اثبات تقصیر توسط زیان دیده را حذف نموده که از این موارد به "فرض تقصیر" تعبیر شده است اما این موضوع در بحث شرکت و مدیران آن در ایران مطرح نشده است اما در حقوق انگلیس مورد توجه قرار گرفته است ثالثاً، چالش دیگر در خصوص مسئولیت مدنی شرکت و مدیران در این راستا این است که مدیران سابق ممکن است در زمان مدیریت جهت اصلاح امور شرکت و اقتضای زمان و شرایط شرکت در زمان‌های خاص یا در شرایط اقتصادی یک دوره خاص اعمالی را انجام دهند که به صرفه و صلاح شرکت باشد و در آن بازه زمانی نفع شرکت در انجام چنین اعمالی باشد که این اعمال مورد تایید بازرسان و ناظران قرار گرفته و در زمان مدیریت آن‌ها هیچ گونه اعتراض یا مخالفتی در مورد عملکرد وی صورت نگیرد اما با ورود مدیران جدید به هر دلیلی (حتی دلایل شخصی) مورد اعتراض مدیران جدید قرار گیرد که در اینجا نیز قانون ایران بر خلاف انگلیس صراحتاً صرفه و صلاح را تعریف ننموده و راهکار عملی و ثابتی ارائه نکرده است. رابعاً، گاهی مدیران سابق شرکت‌ها در راستای وظایف مدیریتی خود در زمان مدیریت تخلفاتی را انجام می‌دهند که این تخلفات نا آگاهانه و بوسطه عدم اطلاع از تخلف بودن این اعمال صورت می‌گیرد و گاهی این تخلفات بواسطه کوتاهی دیگر عوامل شرکت در انجام وظایف قانونی خود (کارمندان بخش‌های مختلف که موظف به نظارت بر قراردادها یا امور مالی یا... می‌باشند) و مدیران مدعی عدم انجام تخلف هستند و گاهی نیز مدیران آگاهانه تخلفاتی را در راستای وظایف قانونی خود در شرکت‌ها انجام می‌دهند که در راستای این تخلفات شرکت‌ها متضرر می‌گردند یا در آینده متضرر خواهد شد که مدیر جدید پس از تغییر مدیریت در مورد اینکه چه رویکردی را باید در مورد این تخلفات باید داشته باشد اطلاعات دقیق یا کاملی ندارد و قانون نیز صراحتاً در این مورد راهکار دقیقی ارائه نکرده است خامساً، در خصوص مسئولیت مدنی مدیران شرکت می‌توان بیان داشت در حقوق انگلیس بر خلاف ایران هر گاه مدیر از موضوع و حدود اختیارات مندرج در اساسنامه خارج شود، همچنان شرکت در مقابل شخص ثالث مسئول است موضوعی که در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است سادساً، در حقوق انگلیس بر خلاف حقوق ایران آلترایرز (UltraVires) را منتفی نموده یعنی شرکت را در مقابل اشخاص ثالث در موارد قرارداد در هر صورت مسئول تلقی کرد و خواه در چارچوب موضوع و حدود اختیارات عمل کند و خواه از این حدود تجاوز کند موضوعی که در حقوق ایران نیاز است بدان توجه شود و در نهایت نیز می‌توان بیان داشت که، در حقوق ایران بر خلاف انگلیس مبنای مسئولیت مدنی مدیران شرکت مبتنی بر نظریه تقصیر است در حالی که در حقوق انگلیس توجه به دو قاعده «نظریه خطر و فرض تقصیر» حاکم می‌باشد بدین شرح که فعالیت‌های مدیران شرکت، حتی اگر هم بدون تقصیر انجام پذیرد، می‌تواند موجب خطر باشد هر گاه فعالیت خطرناک یا خطرناکی انجام گیرد

و در این میان اشخاص متضرر شوند، مدیران و شرکت که به آن فعالیت مبادرت نموده مسئول جبران خسارت وارد به افراد خواهند بود، حتی اگر نهایت مراقبت و دقت را در انجام عمل خود نموده باشد، چرا که نفع حاصل از آن فعالیت به وی باز می‌گردد

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The civil liability of company directors is a critical aspect of corporate law, significantly influencing the governance structures and responsibilities of corporate entities in various jurisdictions. In both Iranian and English legal systems, company directors play an essential role in corporate management, and their actions or omissions can lead to legal consequences, particularly in the realm of civil liability. The distinct legal frameworks governing corporate liability in these two jurisdictions reflect the broader conceptual differences between civil law and common law traditions. In Iran, the civil liability of directors is predominantly shaped by statutory provisions, including the Commercial Code and specific corporate governance regulations, emphasizing directorial duties, obligations, and accountability mechanisms. English law, rooted in common law principles, operates on a precedent-based approach, where judicial decisions and statutory regulations collectively define the scope of directors' responsibilities and liabilities. The divergence in these legal frameworks becomes apparent in several dimensions, including the criteria for determining liability, the nature of the legal actions permissible against directors, and the extent of personal liability imposed on corporate officers. Iranian corporate law generally follows a strict approach to director liability, mandating that directors operate within clearly defined statutory limits, whereas English law affords directors greater discretion under fiduciary and statutory duties, particularly in cases involving shareholder interests and corporate decision-making (Aghdas Teynat, 2018).

In the Iranian legal system, company directors can be held liable under both contractual and tortious liability principles, with the overarching objective of safeguarding corporate integrity and protecting stakeholders. The Iranian Commercial Code stipulates that directors are personally liable for damages incurred due to their negligence, mismanagement, or breach of statutory obligations. Furthermore, directors who act beyond the scope of their authority or engage in fraudulent activities can face severe legal repercussions, including financial penalties and, in some cases, criminal liability. This strict approach is intended to ensure corporate accountability and prevent malfeasance within corporate structures. However, the implementation of these legal provisions is often hindered by interpretational ambiguities and enforcement challenges. The principle of ultra vires, which limits a company's legal capacity to acts expressly authorized by its corporate charter, remains a fundamental aspect of Iranian corporate law. In contrast, English law has largely abandoned the ultra vires doctrine, allowing companies to engage in a broader range of commercial activities without facing restrictions related to their corporate purposes. This fundamental difference influences the scope of director liability in the two legal systems, as Iranian directors are more stringently bound by statutory obligations, whereas their English counterparts benefit from more

flexible governance frameworks that prioritize shareholder interests over rigid statutory compliance (Mehrabani, 2014).

English corporate law emphasizes a director's fiduciary duties, which include the duty of care, duty of loyalty, and duty to act in good faith for the benefit of the company. These fiduciary obligations form the foundation of directorial liability and are enforced through a combination of statutory provisions, judicial precedents, and regulatory oversight. Under the Companies Act 2006, directors owe a duty to exercise reasonable care, skill, and diligence in the performance of their responsibilities. Additionally, the doctrine of corporate veil protection generally shields directors from personal liability, except in cases involving fraudulent trading, wrongful trading, or egregious breaches of fiduciary duties. The English legal system employs a balanced approach to director liability, ensuring that directors are held accountable for their actions while also allowing them the flexibility to make strategic corporate decisions. One of the distinguishing features of English corporate law is the availability of indemnification mechanisms and director liability insurance, which mitigate the financial risks associated with directorial duties. In contrast, Iranian law provides limited protections for directors, making them more susceptible to personal liability claims. Furthermore, the enforcement of corporate liability provisions in Iran often relies on judicial discretion, leading to inconsistencies in legal interpretations and outcomes. The lack of a well-defined jurisprudential framework for director liability further complicates the application of corporate governance standards, creating uncertainty for corporate stakeholders (Bagherieh & Zahedi, 2019).

Another key difference between Iranian and English corporate liability frameworks pertains to the role of shareholders and regulatory bodies in holding directors accountable. In Iran, shareholders possess limited legal avenues to challenge directorial misconduct, as corporate governance structures are predominantly influenced by state intervention and regulatory oversight. The Iranian legal system does not provide shareholders with robust derivative action mechanisms, limiting their ability to initiate legal proceedings against directors on behalf of the company. This restriction often results in corporate governance failures, as directors are less likely to face legal repercussions for mismanagement or fraudulent activities. Conversely, English law empowers shareholders with extensive rights to challenge directorial decisions and seek legal remedies in cases of misconduct. The Companies Act 2006 grants shareholders the right to bring derivative claims against directors, ensuring that corporate governance remains transparent and accountable. Additionally, the UK corporate regulatory framework, including institutions such as the Financial Conduct Authority (FCA) and the Insolvency Service, actively monitors corporate practices and imposes penalties on directors who fail to comply with regulatory standards. This proactive enforcement mechanism enhances corporate accountability and ensures that directors adhere to ethical and legal obligations. The absence of such a robust regulatory framework in Iran presents challenges in ensuring effective corporate oversight, often resulting in unchecked managerial discretion and governance failures (Irfani, 2009).

The Iranian legal framework for director liability also differs from the English system in its approach to corporate insolvency and director disqualification. In Iran, directors of insolvent companies may be held personally liable for corporate debts if they are found to have engaged in fraudulent activities or gross negligence. However, the enforcement of these provisions is often inconsistent, as courts exercise broad discretion in determining the extent of directorial liability. Iranian corporate law does not establish a clear statutory framework for director disqualification, leading to instances where directors who have engaged in corporate mismanagement continue to hold executive positions in

other companies. In contrast, English corporate law imposes stringent disqualification measures under the Company Directors Disqualification Act 1986, ensuring that directors who engage in wrongful trading, fraudulent activities, or breaches of fiduciary duties are barred from serving as company directors for extended periods. This legal mechanism serves as a deterrent against directorial misconduct and enhances corporate governance standards. Furthermore, English law incorporates a comprehensive insolvency framework that prioritizes creditor protection and ensures that directors act in the best interests of the company during financial distress. The Iranian legal system lacks comparable insolvency regulations, making it difficult to hold directors accountable for corporate failures. The absence of a structured insolvency framework also limits the ability of creditors to recover debts from insolvent companies, further exacerbating financial risks associated with corporate mismanagement (Masoudi, 2004).

In conclusion, the comparative analysis of director liability in Iranian and English corporate law highlights significant legal and structural differences that influence corporate governance and accountability. Iranian corporate law adopts a rigid statutory approach to director liability, emphasizing regulatory compliance and directorial accountability through strict legal provisions. However, enforcement challenges, judicial inconsistencies, and the lack of shareholder empowerment mechanisms hinder the effectiveness of these regulations. In contrast, English corporate law operates on a more flexible and precedent-based framework that balances director accountability with corporate decision-making autonomy. The English legal system provides extensive shareholder rights, regulatory oversight, and indemnification mechanisms, ensuring that corporate governance remains transparent and accountable. The Iranian legal system could benefit from adopting certain aspects of the English model, particularly in enhancing shareholder rights, strengthening regulatory enforcement, and establishing clear statutory provisions for director disqualification. By addressing these challenges, Iran could improve its corporate governance standards, foster investor confidence, and create a more resilient corporate sector capable of withstanding economic and financial uncertainties.

References

- Aghdas Teynat, H. R. (2018). Addressing the challenges of limiting liability in civil companies under Iranian law using partnership rules in English law. *Journal of Comparative Legal Studies*, 23(3).
- Al-Ar'ari, A. Q. (2015). *Sources of obligation: Book two, civil liability*.
- Anderson, R. A. (1965). *Business law uniform commercial code*. America.
- Asghari, S. (2006). The impact of the degree of fault on civil liability in Imamiyah jurisprudence and Iranian law. *Journal of Law and Political Science*(2 & 3).
- Bagherieh, H., & Zahedi, A. (2019). Civil liability of bankruptcy on company managers in Iranian and English law. Second National Conference on Fundamental Research in Management and Accounting.
- Bahraini, A. H. (2018). Civil liability arising from government financial policies. In: Doctoral dissertation, Kharazmi University.
- Baumgärtner, S., Petersen, T., & Schiller, J. (2018). *The Concept of Responsibility: Norms, Actions and Their Consequences*. <https://ssrn.com/abstract=3157667><https://doi.org/10.2139/ssrn.3157667>
- Benhamou, Y., & et al. (2020). Artificial Intelligence & Damages: Assessing Liability and Calculating the Damages. In P. D. Agostino & et al. (Eds.), *Leading Legal Disruption: Artificial Intelligence and a Toolkit for Lawyers and the Law* (pp. 4).
- Brossollet, J., Jaegy, C., & Daniele, L. (2019). *Responsabilité civile et intelligence artificielle*. http://www2.droit.univ-paris5.fr/atelier_clinique_juridique/wp-content/uploads/2019/07/Intelligence-artificielle-Brossolet-Daniele-Jaegy-VDEF.pdf
- Crabtree, J. (2019). *What Is Civil Liability?* <https://www.johnheath.com/2019/04/24/what-is-civil-liability/>
- Dlapiper. (2021). *Breach of general duties*. <https://www.dlapiperintelligence.com/directorsduties/countries/index.html?t=liabilities&s=03-other-key-risks&c=GB>
- Ghamami, M. (1997). *Civil liability of the government towards its employees*. Dadgostar Publications, Tehran.

- Hosseini Nejad, H. (1998). *Civil liability*. Majma' Ilmi Farhangi Majd, Tehran.
- Irfani, M. (2009). *Commercial law* (Vol. 2). Jungle Publications.
- Jha, R. (2020). Legal liabilities of company. *Law Times Journal*. <https://lawtimesjournal.in/legal-liabilities-of-company/>
- Masoudi, M. R. (2004). *Civil liability of managers of joint-stock companies*. Keyfiat Publications.
- Mehrabi, Z. (2014). *The liability of limited liability companies and their managers in Iranian and English law* [Master's thesis, Damghan Unit, Private Law].
- Mirzaei Monfared, G. (2010). *Criminal law of the securities market*. Mizan Publications.
- Nabil, S. (2019). *The general theory of obligation: Sources of obligation*. Dar Al-Jami'a Al-Jadida, Alexandria.
- Norton Rose, F. (2016). Criminal and civil liability for corporations officers and directors. <https://www.nortonrosefulbright.com/en/knowledge/publications/e764f658/criminal-and-civil-liability-for-corporations-officers-and-directors>
- OECD. (2016). Liability of Legal Persons for Foreign Bribery: A Stocktaking Report. <https://www.oecd.org/corruption/liability-of-legal-persons-for-foreign-bribery-stocktaking-report.htm><https://doi.org/10.1787/983cba50-en>
- Pasban, M. R. (2011). *Commercial companies law*. Samt Publications.
- Samir, A.-S. (2000). *The role of fault in the crisis of civil liability* [Thesis for obtaining a diploma in advanced studies in business law].